

کفشی که ایتالیایی‌ها را به ایران کشاند

۲ ستاره آسمان شهادت

موقعیت:
خیابان
دعوتی

نام:
شهیدان
محلله بریانک



شهید توحید رزمجو



شهید علی اکبر صادقی

مادر برای آخرین بار صدایش می‌زند: به حق سالار شهیدان، چشمانت را باز کن! علی اکبر چشمانش را باز می‌کند تا دل مادر آرام شود.

محلله بریانک شهید کم ندارد. همچون سایر محلله‌های تهران، بریانک هم شیرمردان بی‌شماری را برای دفاع از جان و مال مردم راهی جبهه‌های حق علیه باطل کرده است.

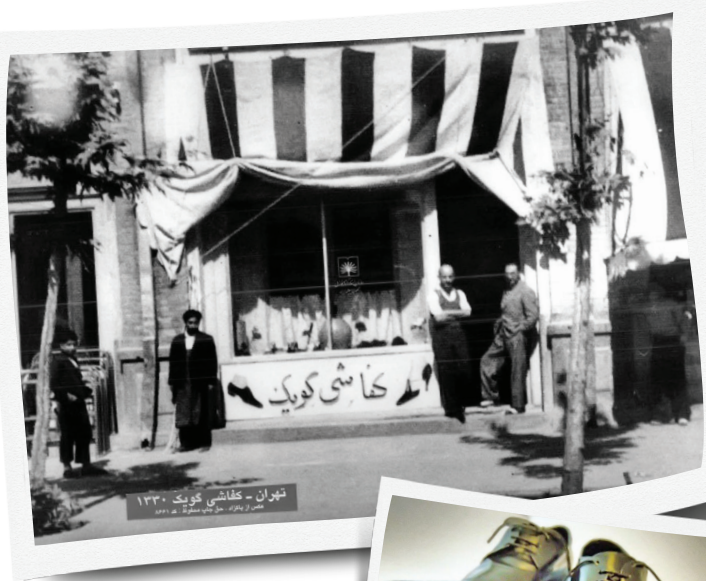
بریانک بیش از ۳۰۰ شهید نثار انقلاب کرد. حمیدرضا پور یعقوبی، از اهالی محلله بریانک، یاد و خاطره شهید را زنده نگه می‌دارد و می‌گوید: «خاطره شهید علی اکبر صادقی در ذهن و جان اهالی بریانک حک شده است.

شهید صادقی از همان کودکی در محلله بریانک زندگی می‌کرد. در جوانی به‌عنوان یکی از فرماندهان بسیج حوزه ۲۲۷ بریانک فعال بود. علی اکبر ۹ خردادماه ۱۳۶۳ در منطقه مریوان و در عملیات والفجر ۴ به مقام شهادت نائل شد. زمانی که قرار بود پیکرش را به آغوش خاک سپارند سرش بر دامان مادر بود. مادر صورت پسر را می‌بویید و می‌بوسید.

شهید توحید رزمجو نیز از شهدای محلله بریانک و جزو ۷۲ تنی بود که در فاجعه هفتم تیر ۱۳۶۰ به شهادت رسیدند. پور یعقوب می‌گوید: «توحید در سال ۱۳۳۰ در یک خانواده کم‌درآمد به دنیا آمد و به دبستان رفت و به علت فقر مالی ترک تحصیل کرد و سپس توسط یکی از آشنایان که پی به هوش سرشار وی برده بود به مدرسه مروی هدایت شد. در آنجا فعالیت مذهبی سیاسی خود را آغاز کرد.

او مهندس صنایع بود و در کنار درس و تعلیم، مبارزات انقلابی خود را دنبال می‌کرد.

زمانی که در کارخانه ساراول مشغول به کار شد در سال ۵۸ به درخواست کارگران شرکت ساراول به‌عنوان مدیر داخلی دعوت شد و با کوشش فراوان این شرکت را از دست سرمایه‌داران بیرون آورد. او در واقعه بمب‌گذاری هفتم تیرماه ۱۳۶۰ به همراه دیگر یارانش در دفتر حزب جمهوری اسلامی به شهادت رسید.»



کفش هشت ترکی به او سفارش دادم و در ازای آن هزار تومان پرداخت کردم که مبلغ زیادی بود، اما در مقابل این کفش‌ها، کفش مخصوص او نزدیک به ۵۰ هزار تومان قیمت داشت و اغلب دامادها چون توان خرید آن را نداشتند، برای یک شب آن را حدود ۵ هزار تومان اجاره می‌کردند. کفش‌هایی که می‌دوخت، به قدری باکیفیت بود که اصلا پاره نمی‌شد.»

بایجاد بزرگراه نواب این مغازه هم مانند دیگر املاک و خانه‌های این محدوده در طرح احداث بزرگراه قرار گرفت و تخریب شد. این بار محمد ابتکار مغازه‌اش را به محلله بریانک منتقل کرد و تا زمان فوتش مغازه پابرجا بود.



«محمد ابتکار» کفش‌دوز قدیمی محلله بریانک، کفشی را ابداع و تولید کرد که آوازه آن به ایتالیا رسید و پای سندیکای کفش ایتالیا را برای دیدن این کفش به ایران باز کرد.

محمد ابتکار، در تولید این کفش ابتکاری به خرج داده بود که بخش‌های مختلف کفش بدون استفاده از نخ و میخ به هم متصل می‌شدند. سیدرضا تهامی، ساکن دربار محمد ابتکار و کفش‌خاصش، می‌گوید: «آقای ابتکار اصالتاً اهل رشت بود و سالیان قبل در تقاطع خیابان شهید صدفری فعلی با نواب قدیم مغازه کفش‌دوزی و کفش‌فروشی داشت. وقتی من نوجوان بودم و از جلوی این مغازه رد می‌شدم، ویتترین شیشه‌ای این مغازه دودهنه با تصویر بزرگ و شکل و شمایل کفش آراسته شده بود. او برای تولید کفش‌هایش ابتدا پای مشتری را روی کاغذ قرار می‌داد و دورش را خط می‌کشید و با این الگو با توجه به قالب پای مشتری، کفش می‌دوخت. برای این کفش به جای استفاده از نخ و میخ، نوارهای باریکی از چرم می‌برد و با بافت این نوارهای چرمی به زیره و رویه، آنها را به هم متصل می‌کرد. این کفش در زمان خودش به نوعی اختراع خاصی محسوب می‌شد و به همین خاطر هم مورد توجه سندیکا یا اتحادیه کفش‌دوزان ایران قرار گرفت. خبر این تولید به گوش سندیکای کفش ایتالیا رسید و آنها برای دیدن این کفش آمدند و یک جفت از این مدل را برای دربار سفارش دادند. این کفش با سگک‌های منگوله‌مانند به سربند، تولید و در جعبه‌ای مخمل که چهار گوشه‌اش تاج طلا چسبانده شده بود توسط رئیس اتحادیه کفش ایتالیا و ایران به شاه اهدا شد. کفش‌هایی که ابتکار می‌دوخت چون از جنس چرم طبیعی و اصل بود، قیمت گزافی داشت. من به خوبی به یاد دارم که وقتی ۱۹ سالم بود

موضوع:
ابداع کفش
بدون میخ و نخ
موقعیت:
بریانک

بانیان آبادانی محلله

محمدی همچنین از مرحوم کریم کمپانی به‌عنوان دیگر خیر محلله بریانک یاد می‌کند؛ مردی که بسیاری از زمین‌ها و به‌ویژه باغ‌هایش را به قطعه‌های کوچک تری تقسیم کرد و به رایگان یا با قیمت بسیار ناچیز در اختیار کارمندان و اهالی قرار داد تا از این طریق بسیاری از اطرافیان از چرخه ارباب-رعیتی آن روزگار رها شوند.

این ساکن قدیمی محلله بریانک همچنین از مرحوم بانو نیک‌فر و آبادانی کوچه شهید محبی در حوالی چهارراه رضایی تعریف می‌کند و می‌گوید: «اسم سابق خیابان شهید محبی، نیک‌فر بود، چون زمین‌های این خیابان متعلق به بانوی خیری به همین نام بود که همه زمین‌هایش را به قیمت مناسب به اهالی فروخت و بخش زیادی از آن را هم مانند زمین مسجد صاحب‌الزمان (عج) در انتهای این خیابان وقف کرد. مرحوم خانم نیک‌فر حتی در ساخت مسجد هم تا جایی که در توانش بود کمک مالی کرد. البته به جز او، مرحوم مصطفوی هم از دیگر خیران نامدار و معروف محلله بریانک قدیم بود. عمده کار این خیران گره‌گشایی از مشکلات مالی اهالی و افراد درآمده محلله بود.»



موضوع:
خیران

موقعیت:
خیابان شهید
دعوتی، خیابان
شهید محبی، خیابان
شهید عرب

بریانک زمانی روستایی کوچک بود در حوالی دروازه قزوین. در دل این روستا، علاوه بر زمین‌های کشاورزی، باغ‌های پرمحصول میوه مثل زمرد می‌درخشید. این باغ‌ها اغلب مالکان دست‌به‌خیری داشتند که اهالی و همسایه‌های این باغ‌ها از عنایتشان بهره می‌بردند. بسیاری از قدیمی‌ها معتقدند بانی آبادانی محلله و تبدیل شدنش از روستا به شهر همین ملاکان مشهور بریانک بودند که بر حسب نیاز اهالی در رشد و توسعه روستا قدم برداشتند.

سیدرضا میرمحمدی، از اهالی قدیمی محلله بریانک، از خیران مطرح و نامداران روستای بریانک یاد می‌کند و می‌گوید: «مرحوم اعتماد از باغداران و ملاکان معروف بریانک بود و سال‌ها در همین محلله زندگی می‌کرد و برای تأمین نیاز اهالی در روزگاری که هنوز بریانک روستای کوچکی بود، تلاش‌های زیادی به خرج داد و ساخت مسجد المهدی امروز (اعتماد) در نزدیکی خانه‌اش در خیابان شهید دعوتی، نرسیده به موزه حیات وحش هفت‌چنار امروزی، یکی از خدمات او به اهالی است. نکته جالب هم این است که بیشتر هزینه‌های مسجد، از جمله هزینه برپایی مراسم، دعوت از مداحان و واعظان و تأمین اقلام غذایی در مناسبت‌های مختلف را خود مرحوم اعتماد عهده‌دار بود.»

